

ساخت ناگذرا در گویش بختیاری مسجده سلیمان^۱

والی رضایی^۲

دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه اصفهان

فرخنده شجاعی^۳

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه اصفهان

چکیده

ساخت ناگذرا ساختی است که فعل آن دارای جهت معلوم بوده و تنها یک گروه اسمی به عنوان موضوع مرکزی دارد. از نظر نقش معنایی، گروه اسمی موجود در این ساخت، همچون گروه اسمی ساخت مجهول، نقش معنایی مفعولی دارد. این جستار تلاش دارد تا با بررسی داده‌های گویشی نشان دهد ساخت ناگذرا در گویش بختیاری دارای چه ویژگی‌هایی بوده و تفاوت آن با ساخت مجهول در چیست؟ فعل گذرا و سببی از افزودن پسوند $(e)n$ - به پایان ماده مضارع گذرا ساخته می‌شود و ماده ماضی آن با افزودن پسوند \bar{d} - به ماده مضارع به دست می‌آید. افعال ناگذرا نیز با افزودن پسوند eh - به پایان اسم، صفت و ماده مضارع فعل‌های اصلی یا بدون افزودن پسوند ساخته می‌شوند. ماده ماضی این افعال نیز از افزودن پسوند est - به ماده مضارع به دست آید. ساخت ماده ناگذرا در ساخت مجهول نیز به کار می‌رود. در نتیجه هر دو ساخت مجهول و ناگذرا دارای شباهت روساختی هستند؛ اما همانند زبان فارسی تفاوت این دو ساخت، با آوردن عامل در ساخت مجهول به صورت گروه حرف اضافه‌ای مشخص می‌گردد. همچنین با استفاده از عبارت قیدی $xos\ be\ xos$ (خود به خود) در ساخت ناگذرا به جای عبارت کنادی در مجهول می‌توان به تفاوت دو ساخت پی برد.

کلیدواژه‌ها: گویش بختیاری، ساخت ناگذرا، ساخت مجهول، ساخت سببی، ساخت ضدسببی.

۱- مقدمه

افعال ناگذرا^۴ در تقابل با افعال سببی قرار دارند. فعل سببی دارای عامل^۵ بوده و فعل ناگذرا یا ضدسببی دارای عامل در ظرفیت معنایی خود نیست. می‌توان گفت که در ساخت ناگذرا عامل مفروض نیست و نمی‌توان از قیدهایی که به عمدی بودن عمل اشاره دارند، استفاده کرد (راسخ‌مهند، ۱۳۸۶). از طرفی افعال لازم در تقابل با افعال متعدی قرار دارند و در ساخت آنها مفعول وجود ندارد. بنابراین فعل لازم تنها یک ظرفیت نحوی دارد که نقش فاعل را در جمله ایفا می‌کند. افعال ناگذرا نیز در کاربرد لازم جزء افعال ضدسببی هستند که فاعلشان نقش معنایی اثرپذیر^۶ دارد.

در این تحقیق تلاش شده است تا با توجه به تقسیم‌بندی‌های مختلف مانند طبقه‌بندی هسپلمت^۷ (۱۹۹۳) ساخت ناگذرا در گویش بختیاری بررسی شده و نشان داده شود که در گویش بختیاری چه افعالی و به چه شیوه‌ای می‌توانند به صورت ناگذرا به کار روند. همچنین سعی شده است تا به تفاوت ساخت ناگذرا و مجهول در این گویش پرداخته شود. در گویش بختیاری علاوه بر استفاده از شیوه‌های مشترک با زبان فارسی در ساخت مجهول، مانند استفاده از صفت مفعولی به اضافه فعل کمکی و مجهول غیرشخصی از شیوه ساختناگذرا نیز استفاده می‌شود. در شیوه ساختناگذرا از وندی استفاده می‌شود که در ساخت افعال ناگذرا نیز به کار می‌رود و در نتیجه روساختی مشابه ارائه می‌دهد.

داده‌های این تحقیق از طریق ضبط گفتگوهای روزمره و مصاحبه‌های مختلف با گویشوران زن و مرد مسن و بی‌سواد ساکن شهرستان مسجدسلیمان جمع‌آوری شده‌اند. لازم به ذکر است در آوانگاری داده‌ها از نشانه‌های رایج در آثار زبان‌شناسان ایرانی از جمله دبیرمقدم (۱۳۹۲) استفاده شده است.

در بخش دوم، پیشینه مطالعات انجام‌شده توسط محققین داخلی و خارجی در زمینه ساخت‌های سببی و ناگذرا یا ضدسببی و انواع آن، همچنین مطالعاتی که تاکنون درباره این ساخت در گویش بختیاری صورت پذیرفته است، بررسی می‌شود. در بخش سوم، مبانی

4. unaccusative
5. agent
6. undergoer
7. M. Haspelmath

نظری و تعاریف مختلفی که درباره ساخت ناگذرا و انواع آن ارائه شده است، بررسی خواهد شد. در بخش چهارم به تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از گویش بختیاری و بررسی برخی افعال این گویش در چارچوب طبقه‌بندی هسپلمث پرداخته شده است. در بخش پنجم نیز خلاصه و نتیجه‌گیری موضوع بیان شده است.

۲- پیشینه

مقوله فعل، انواع آن و همچنین ویژگی‌های نحوی فعل همواره از جمله موضوعات مورد بحث در بین زبان‌شناسان بوده است. در بین مطالعات انجام‌شده در این زمینه بخش زیادی از تحقیقات به مبحث افعال ناگذرا و تفاوت‌های این ساخت با افعال سببی و همچنین با دیگر ساخت‌ها مانند ساخت مجهول، از منظر تفاوت در ظرفیت فعلی آن، معطوف شده است.

کامری^۱ (۱۹۹۲) با بررسی تناوب سببی در زبان‌های مختلف و با توجه به اینکه هر جمله سببی را یک موقعیت کلان دانسته که از دو موقعیت خرد سبب و نتیجه اثر تشکیل شده است، به سه نوع ساخت سببی در زبان اشاره کرده است. تقسیم‌بندی کامری از ساخت سببی بر اساس رویکرد سنتی رده‌شناسی ساختواژه بنیاد شامل سببی ساختواژی، سببی واژگانی و سببی تحلیلی یا نحوی است. در سببی ساختواژی، وندی به فعل پایه افزوده شده و صورت دیگر ساخت سببی ساخته می‌شود. در نوع واژگانی تفاوتی بین ساخت سببی و غیرسببی در ظاهر و صورت افعال وجود ندارد و در نوع تحلیلی یا نحوی رویداد سببی با کمک افعالی بیان می‌گردد (صفری و کریمی دوستان، ۱۳۹۲).

در بین زبان‌شناسان ایرانی نیز بحث ساخت ناگذرا مورد توجه بسیار بوده است. برخی زبان‌شناسان کلیه ساخت‌هایی را که در زبان فارسی با اسم یا صفت در کنار فعل شدن/ بودن ساخته می‌شوند، ساخت اسنادی دانسته‌اند که می‌توانند به ساخت سببی تبدیل شوند (طیب‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۱۵).

دبیرمقدم (۱۳۶۴) ضمن مقایسه ساخت مجهول و ناگذرا و قائل شدن به وجود ساخت مجهول در زبان فارسی می‌نویسد به دلیل اینکه عامل در ساخت ناگذرا مفروض نیست، از عبارت قیدی به جای عبارت کنادی در جمله مجهول استفاده می‌شود.

رضایی (۱۳۸۹) با بررسی ساخت مجهول و انواع آن در چارچوب دستور نقش و ارجاع از ساخت ناگذرا به عنوان تغییر تعدی یاد کرده و ساخت ناگذرا را فرایندی واژگانی در حوزه ساخت واژه دانسته است که با ساخت مجهول که یک فرایند نحوی است، متفاوت است. همچنین آورده است که تغییر تعدی تنها به جفت‌های کردن/ شدن ختم نمی‌شود و این مقوله در تمام ساخت‌های سببی صدق می‌کند.

حقبین (۱۳۸۳) در بررسی ساخت‌های نامتعدی به مشخصه‌هایی چون ایستایی، نمود، وجه، لحظه‌ای بودن^۹ و ارادی بودن اشاره کرده و عنوان می‌کند افعال با در نظر گرفتن چنین ملاک‌هایی در یک رابطه پیوستاری از متعدی بودن تا نامتعدی بودن قرار می‌گیرند. طبق این ملاک‌ها، پنج نوع ساخت نامتعدی وجود دارد که یکی از آنها ساخت ناگذرا (افعال لازم کنش‌پذیر) است. در نمونه‌هایی که از ساخت‌های ناگذرا در این تحقیق ارائه شده است، به ویژگی‌های نامتعدی بودن آن مانند غیرتام بودن، غیرارادی و غیرعاملی بودن اشاره شده است.

صادقی و ارزنگ (۱۳۶۵: ۴۳) به توضیح جهت و رابطه فعل با نهاد پرداخته و در تعریف ساخت ناگذرا گفته‌اند اگر نتیجه عمل در نهاد باقی بماند و به کلمه دیگری نرسد، فعل گذرا است و اگر فعل علاوه بر نهاد به کلمه دیگری نیاز نداشته باشد، ناگذرا است. ایشان اصطلاح گذرا را برای فعل‌های متعدی و معلوم و اصطلاح ناگذرا را برای فعل‌های لازم و مجهول به کار برده‌اند.

راسخ‌مهند (۱۳۸۶) با بررسی ساخت ناگذرا یا ضدسببی در زبان فارسی، آن را در تقابل با ساخت سببی و غیرسببی می‌داند و تقابل این ساخت با معلوم و مجهول را رد می‌کند. وی بر این باور است که این ساخت برخلاف ساخت‌های سببی و غیرسببی عاملی در ظرفیت معنایی خود ندارد. در توضیح این مطلب که گاهی ممکن است این ساخت با فعل مجهول اشتباه گرفته شود، به تفاوت‌هایی بین این دو ساخت اشاره کرده است که در ساخت ناگذرا عامل از ساخت معنایی فعل حذف می‌شود. همچنین قیدهایی که دال بر عمدی بودن عمل از سوی عامل است، در ساخت ناگذرا به کار گرفته نمی‌شود، بلکه از قیدهایی دیگری چون

“خود به خود” استفاده می‌شود. در این ساخت می‌توان سبب را با حرف اضافه “از” در جمله آورد.

صفری و کریمی دوستان (۱۳۹۲) افعال سببی و ناگذرا و انواع مختلف آن را در زبان فارسی بر اساس طرح‌واره‌های زبان‌شناسی شناختی بررسی کرده‌اند.

درزی و کرم‌پور (۱۳۹۱) نظام ساخت‌های سببی را در زبان فارسی به دو گروه عمده واژگانی و تحلیلی تقسیم کرده‌اند که در این تقسیم‌بندی نوع سببی ساختواژی زیرشاخه‌ای از گروه سببی واژگانی محسوب می‌شود.

طبقات ساخت ناگذرا در بختیاری و قرار گرفتن افعال در انواع مختلف آن با معادل معنایی افعال در زبان فارسی فرق دارد. در این گویش از روش‌های ساختواژی بیشتر استفاده می‌گردد، اما تاکنون درباره ساخت ناگذرا و انواع آن در گویش بختیاری و با توجه به ویژگی‌های خاص این ساخت، تحقیقات زیادی بجز مواردی انگشت‌شمار، انجام نشده است.

طاهری (۱۳۸۹: ۱۵۰) در بررسی افعال در گویش بختیاری و ویژگی‌های ساختی آن مبحث گذرایی را یکی از خصوصیات مهم فعل در نیاز داشتن به انواع متمم‌ها مانند مفعول دانسته و بر طبق آن افعال را در بختیاری به دو گونه گذرا که علاوه بر نهاد نیاز به مفعول و متمم داشته و ناگذرا که تنها به نهاد نیاز دارند، تقسیم کرده است.

همچنین طاهری (۱۳۸۵) ساخت ماده مضارع ناگذرا-مجهول را که هم در ساخت فعل ناگذرا و هم ساخت مجهول به کار می‌رود، از افزودن پسوند *-eh* به پایان اسم و صفت و ماده فعل‌های غیرتبدیلی گذرا بیان کرده است. ماده مضارع تبدیلی نیز که از اسم و صفت ساخته می‌شود، برای ماده مضارع ناگذرا به کار می‌رود و در آن اسم و صفت به عنوان ماده مضارع به کار برده می‌شود. ماده ماضی ناگذرا نیز با افزودن پسوند *-est* به ماده مضارع ناگذرا ساخته می‌شود.

۳- مبانی نظری

ساخت ناگذرا یا ضدسببی ساختی است که عامل در آن حذف شده و اثرپذیر به جای آن در جایگاه فاعل قرار می‌گیرد. از آنجا که افعال ناگذرا در مفهوم سببی بودن در تقابل با

افعال سببی قرار دارند، تفاوت آنها با افعال سببی در وجود یا عدم وجود عامل در ظرفیت معنایی فعل است. در سببی فاعل جمله دارای نقش عامل است اما در جمله ناگذرا فاعل دارای نقش اثرپذیر در ظرفیت معنایی خود است (هسپلمث، ۱۹۹۳: ۲۱۳). در جمله (۱). الف) علی در نقش نحوی فاعل به کار رفته و دارای نقش معنایی عامل بوده که عمل شکستن توسط او انجام گرفته است. در جمله (۱. ب) نیز شیشه دارای نقش نحوی مفعول و نقش معنایی اثرپذیر است.

(۱) الف. علی شیشه را شکست.

ب. شیشه شکست.

علاوه بر نقش‌های معنایی خاصی که فیلمور^{۱۰} (۱۹۶۸) در نظریه نقش معنایی خود ارائه کرد و نقش‌هایی چون عامل، کنش‌پذیر^{۱۱}، پذیرنده^{۱۲}، تجربه‌گر و غیره را معرفی نمود، نقش‌های معنایی تعمیم‌یافته^{۱۳} دیگری نیز شامل اثرگذار^{۱۴} و اثرپذیر وجود دارند که به آنها نقش‌های کلان معنایی نیز گفته می‌شود و در بردارنده تعدادی از نقش‌های معنایی خاص دیگری هستند. این دو نقش برای نخستین بار در سال ۱۹۸۴ به وسیله ون ولین^{۱۵} و فولی^{۱۶} معرفی شدند (رضایی، ۱۳۸۹). به وسیله نقش‌های کلان می‌توان برخی مفاهیم را از جمله ساخت ناگذرا و مجهول‌سازی مشخص کرد. اثرگذار می‌تواند در بردارنده نقش‌های معنایی عامل، ابزار و تجربه‌گر باشد و اثرپذیر می‌تواند کنش‌پذیر یا پذیرنده باشد. رضایی (۱۳۸۹) به نمونه‌های زیر از زبان فارسی اشاره کرده است.

(۲) الف. علی در را با کلید باز کرد.

ب. کلید در را باز کرد.

(۳) الف. بچه گلدان را شکست.

ب. علی توپ را پرت کرد.

10. C. J. Fillmore

11. patient

12. theme

13. generalized semantic roles

14. actor

15. R. VanValin

16. W. Foley

در مثال (۲)، علی و کلید به ترتیب دارای نقش معنایی عامل و ابزار هستند که هر دو دارای نقش اثرگذار نیز می‌باشند. در مثال (۳. الف) *گلان* دارای نقش معنایی کنش‌پذیر و در (۳. ب) توپ دارای نقش معنایی پذیرنده است که هر دو در بحث نقش‌های کلان اثرپذیر نیز هستند.

”جهت“ به مفهوم چگونگی رابطه فعل با نهاد جمله و همچنین به ظرفیت نحوی فعل اشاره دارد. طبق مفهوم جهت، افعال لازم در مقابل افعال متعدی قرار می‌گیرند. افعال متعدی به دو گروه اسمی نیاز دارند و افعال لازم دارای یک گروه اسمی در ظرفیت نحوی خود هستند که در جایگاه فاعل قرار دارد. افعال لازم به دو دسته افعال غیرکنادی^{۱۷} و نامفعولی^{۱۸} تقسیم می‌شوند.

فرضیه نامفعولی نخستین بار توسط پرمیوتر^{۱۹} (۱۹۷۸) و بعدها توسط برزیو^{۲۰} (۱۹۸۶) و پرمیوتر و پستال^{۲۱} (۱۹۸۴) در چارچوب دستور رابطه‌ای و به عنوان یک فرضیه نحوی عنوان گردید. بر اساس این دستور افعال لازم به دو دسته افعال غیرکنادی یا غیرارگتیو و نامفعولی یا غیرمفعولی تقسیم می‌شوند. در افعال لازم غیرارگتیو، فاعل دارای نقش معنایی عامل و کنش‌گر است و در افعال لازم نامفعولی، در زیرساخت فعل مفعولی وجود دارد که در رساخت در جایگاه فاعل قرار می‌گیرد و دارای نقش معنایی اثرپذیر است که در بردارنده نقش‌های کنش‌پذیر و پذیرنده نیز است. مثال (۴. الف) جزء افعال غیرارگتیو است که فاعل آن (احمد) دارای نقش معنایی عامل است. مثال (۴. ب) نمونه‌ای از افعال نامفعولی است که در آن (علی) دارای نقش نحوی فاعل و نقش معنایی اثرپذیر است.

(۴) الف. احمد به خانه رفت.

ب. علی افتاد.

علاوه بر این، تفاوت نحوی افعال لازم غیرارگتیو و نامفعولی در ویژگی‌های معنایی آنها است. افعال غیرارگتیو افعالی ارادی و افعال نامفعولی شامل افعالی غیرارادی و در بردارنده

17. unergative

18. ununaccusative

19. D. M. Perlmutter

20. L. Burzio

21. P. M. Postal

تغییر حالت هستند. به طور کلی می‌توان در زبان فارسی افعال لازم را به دو دسته افعال لازمی که فاعل آنها دارای نقش معنایی کنش‌گر است، مانند رفتن، ماندن، پیوستن، پریدن، دویدن، خندیدن و غیره، و افعال لازمی که فاعل آنها در نقش معنایی کنش‌پذیر است، مانند ترسیدن، شکستن، پختن، دریدن، ترکیدن، پکیدن و غیره، تقسیم نمود (حق‌بین، ۱۳۸۳).

از طرفی، ساخت ناگذرا گاهی به دلیل شباهت‌های صوری به اشتباه با ساخت مجهول یکسان پنداشته می‌شود. ساخت ناگذرا ظرفیت معنایی فعل را کاهش داده و عامل را حذف می‌کند، در نتیجه عمل خود به خود اتفاق می‌افتد. ساخت ناگذرا در تقابل با فعل معلوم یا مجهول نیست، زیرا تفاوت فعل‌های معلوم و مجهول در ظرفیت نحوی آنها است. ساخت مجهول دارای هر دو ظرفیت معنایی عامل و اثرپذیر است، اما در ظرفیت نحوی خود کاهش داشته و مفعول در آن حذف شده است (پیوی^۲، ۲۰۱۰: ۱۵۷).

به طور کلی می‌توان گفت ضدسببی یک فرایند کاهش ظرفیت است که در سطح واژگان صورت می‌گیرد و به اشتقاق واژگانی و ساخت موضوعی فعل مربوط می‌شود و باعث ایجاد یک مدخل واژگانی می‌گردد.

هسپلمث (۱۹۹۳) با بررسی ساخت‌های ناگذرا در زبان‌های مختلف رابطه بین فعل ناگذرا و سببی را تعیین کرده و با بررسی افعال ناگذرا در ۲۱ زبان مختلف، آنها را در پنج طبقه قرار داده است. راسخ‌مهند (۱۳۸۶) نیز در تحلیلی در چارچوب هسپلمث، چهار طبقه فعل ناگذرا را در زبان فارسی معرفی کرده است که در زیر به آن اشاره می‌شود.

۱- **افعال نوع اول:** فعل ناگذرا پایه است و فعل سببی و صورت گذرا از آن مشتق می‌شود. حق‌بین (۱۳۸۳) این گروه را افعالی می‌داند که شکل لازم یا غیرسببی آن با شکل متعدی آن هم‌ریشه بوده و به وسیله عواملی مانند افزودن تکواژ، سببی می‌شوند. در زبان فارسی این نوع افعال به وسیله ستاک حال افعال غیرسببی و پسوند سببی‌ساز (-ان) به دست می‌آید. چنان‌که زارعی فرد و رضایی (۱۳۹۰) اشاره کرده‌اند، دستورهای سنتی بیشتر به این نوع ساخت سببی توجه نشان داده‌اند. مثال (۵) نمونه‌ای از افعال زبان فارسی است که صورت سببی و ناگذرای آن در این طبقه قرار می‌گیرد.

۵) الف. بچه بادکنک را ترکاند. (سببی)

ب. بادکنک ترکید. (ناگذرا)

فعل ترکیدن در زبان فارسی در طبقه افعال نوع اول به کار می‌رود که صورت سببی آن با استفاده از پسوند سببی‌ساز به دست می‌آید. تعداد زیادی از افعال سببی و غیرسببی در زبان فارسی با استفاده از ساخت گونه سببی از ناگذرا ساخته می‌شود که تعدادی از آنها در جدول شماره (۱) آمده است.

جدول شماره (۱). نمونه‌ای از فعل‌های ناگذرای گروه اول در تقابل با جفت سببی

<u>افعال سببی</u>	<u>افعال ناگذرا</u>
ترساندن	ترسیدن
خاراندن	خاریدن
شکاندن	شکستن
جوشاندن	جوشیدن
ترکاندن	ترکیدن
خماندن	خمیدن
ترشاندن	ترشیدن

۲- افعال نوع دوم: ریشه افعال سببی و ناگذرا یکی است اما با استفاده از یک فعل کمکی یا یک وند متفاوت از هم جدا می‌شوند. در شیوه به کارگیری فعل کمکی، اغلب از فعل‌های کمکی "شدن"، "بودن" و "کردن" استفاده می‌شود. این طبقه از ساخت سببی افعال مرکب را تشکیل می‌دهند که در آن یک جزء غیرفعلی مانند اسم و صفت در کنار فعل‌هایی مانند کردن، شدن، خوردن، زدن و غیره قرار گرفته و یک فعل مرکب تشکیل می‌دهند (دبیرمقدم، ۱۳۷۶). می‌توان گفت گونه‌ای که از جزء غیرفعلی در کنار فعل "شدن/ خوردن" ساخته می‌شود، گونه ناگذرا یا ضدسببی و گونه‌ای که با جزء غیرفعلی در کنار فعل "کردن/ زدن" ساخته می‌شود، سببی است. افعال بسیاری در زبان فارسی در این طبقه از تناوب سببی قرار می‌گیرند که در جدول شماره (۲) به چند نمونه اشاره شده است.

جدول شماره (۲). نمونه‌ای از فعل‌های ناگذرای دسته دوم در تقابل با جفت سببی

افعال سببی	افعال ناگذرا
باز کردن	باز شدن
آب کردن	آب شدن
گم کردن	گم شدن
بیدار کردن	بیدار شدن

همچنان‌که محققان بسیاری پیش از این عنوان کرده‌اند و پیشتر نیز در این مقاله مطرح گردید، اغلب صورت ناگذرا به دلیل شباهت روساختی با ساخت مجهول ابهام ایجاد می‌کند. دبیرمقدم (۱۳۶۴) در توضیح این مطلب می‌گوید در زبان فارسی ساخت مجهول به صورت صفت به اضافه فعل کمکی "شدن" به دست می‌آید که این ساخت حاصل عملکرد گشتار اختیاری حذف کرده در ساخت زیرین جمله است که در نهایت ساخت مجهول بدون اسم مفعول "کرده" به کار می‌رود. همچنین عنوان می‌کند از آنجا که ساخت ناگذرا و مجهول با فعل کمکی شدن بیان می‌شوند، وجود یک فعل کمکی واحد در این دو ساخت، عاملی برای نامیدن تمامی این ساخت‌ها تحت عنوان ساخت ناگذرا است. از دیگر عوامل ایجاد ابهام بین این دو ساخت، حذف عبارت کنادی مانند (توسط او) در جملات مجهول (ج) و (د) است که با حرف اضافه (توسط، به دست، به وسیله) مشخص می‌شود.

۶ الف. او بمب را منفجر کرد.

ب. بمب (خود به خود) منفجر شد. (ناگذرا)

ج. بمب (توسط او) منفجر شد. (مجهول)

د. بمب (توسط او) منفجر کرده شد. (مجهول)

۳- افعال نوع سوم: افعال سببی و ناگذرا از دو ریشه متفاوت هستند. این نوع فعل‌ها را که بین فعل اصلی و همتای سببی خود شباهتی وجود ندارد، صورت‌های مکمل^{۲۳} نیز نامیده‌اند. در مثال (۷) صورت‌های متفاوت فعل به کار رفته است.

۷) الف. شکارچی پرنده را کشت. (سببی)

ب. پرنده مرد. (ناگذرا)

از دیگر افعال نوع سوم در زبان فارسی می‌توان به نمونه‌های زیر در جدول شماره (۳) اشاره کرد.

جدول شماره (۳). نمونه‌ای از فعل‌های ناگذرای دسته سوم در تقابل با جفت سببی

<u>افعال سببی</u>	<u>افعال ناگذرا</u>
انداختن	افتادن
متوقف کردن	ایستادن
کردن	شدن
کشتن	مردن

۴- افعال نوع چهارم: در این طبقه از افعال، شکل افعال سببی و ناگذرا یکسان است و به آنها فعل‌های دووجهی نیز می‌گویند. از جمله افعال نوع چهارم در زبان فارسی می‌توان به نمونه‌های جدول شماره (۴) اشاره کرد.

جدول شماره (۴). نمونه‌ای از فعل‌های ناگذرای دسته چهارم در تقابل با جفت سببی

<u>افعال سببی</u>	<u>افعال ناگذرا</u>
ریختن	ریختن
شکستن	شکستن
بریدن	بریدن
شکافتن	شکافتن
پاشیدن	پاشیدن

در مثال (۸) صورت سببی و ناگذرای فعل "شکستن" به یک صورت به کار رفته است. در مثال (۸ الف) "علی" عامل است و فعل "شکست" به صورت سببی به کار رفته است. در (۸ ب) "شیشه" اثرپذیر و فعل "شکست" ناگذرا است.

۸) الف. علی شیشه را شکست.

ب. شیشه شکست.

۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها

در بخش تجزیه و تحلیل به نمونه‌هایی از افعال گویش بختیاری اشاره شده و انواع فعل‌های ناگذرا در این گویش، از لحاظ قرار گرفتن در طبقاتی که هسپلمت و بر طبق آن راسخ‌مهند از افعال فارسی ارائه داده، مورد بحث قرار گرفته است. می‌توان گفت در گویش بختیاری افعال سببی و ناگذرا از تمامی شیوه‌های موجود، مانند آنچه در تقسیم‌بندی هسپلمت ارائه شده، استفاده نمی‌کنند و تنها از شیوه کاربرد وند بهره می‌گیرند؛ به عبارت دیگر، تعداد افعالی که به شیوه‌های دیگر استفاده می‌شوند، انگشت‌شمارند.

در تقسیم‌بندی افعال نوع اول، فعل ناگذرا پایه است و فعل سببی و صورت گذرا از آن مشتق می‌شود. در گویش بختیاری از شیوه غالب بهره‌گیری از وند یا صورت ساختواژی در ساخت ناگذرا استفاده می‌شود و در این گویش تعداد بسیار زیادی از افعال به این شیوه ساخته می‌شوند. برای ساخت فعل ناگذرا از پسوند **eh-** در پایان اسم، صفت و ماده مضارع گذرای فعل‌های اصلی استفاده می‌شود. برای ساخت ماده ماضی این افعال نیز پسوند **est-** به ماده مضارع افزوده می‌شود.

9) a. alī tanâf e kahnd.

الف: علی طناب را کند. (معلوم)

b. tanâf (xos be xos) kahnest.

ب: طناب خود به خود کنده شد. (ناگذرا)

طاهری (۱۳۸۹: ۱۵۲) افعال را در بختیاری به دو گروه افعال اصلی و تبدیلی یا جعلی تقسیم کرده است. افعال نوع تبدیلی را جزء افعالی دانسته که زایایی بیشتری در گویش دارند و ماده ماضی آنها مانند فعل‌های ناگذرا و گذرا از افزودن پسوندی خاص به ماده مضارع به دست می‌آید. فعل سببی با افزودن پسوند **(e)n-** به پایان ماده مضارع گذرا و فعل ناگذرا با افزودن پسوند **eh-** به پایان اسم، صفت و ماده مضارع به دست می‌آید. به طور کلی ساخت ماده مضارع و ماضی افعال تبدیلی را می‌توان به صورت زیر طبقه‌بندی کرد.

الف) ماده مضارع گذرا و سببی از افزودن پسوند **(e)n**- به پایان ماده مضارع گذرا ساخته می‌شود. در صورتی که فعل ناگذرا باشد، با افزودن این پسوند گذرا می‌شود. **-n** یا **-en** به پایان ماده ناگذرا مختوم به خوشهٔ دوهمخوانی افزوده می‌شود. مادهٔ ماضی آن نیز از افزودن **-īδ** به این ماده مضارع ساخته می‌شود. علامت مصدر در این گویش به صورت **-en** است که در پایان فعل می‌آید.

جدول شماره (۵). نحوهٔ اشتقاق فعل گذرا و سببی در گویش بختیاری

مادهٔ مضارع	پسوند سببی ساز	مادهٔ مضارع گذرا و سببی	پسوند ماضی ساز	مصدر فعل ماضی گذرا و سببی
sūz-	-n	sūzn-	-īδ	سوزاندن sūznīden
jūš-	-n	jūšn-	-īδ	جوشاندن jūšnīden
dīs-	-n	dīsn-	-īδ	چسباندن dīsnīden
taw	-n	tawn-	-īδ	ذوب کردن tawnīden
terak	-n	tereyn	-īδ	ترک انداختن tereynīden
pešk-	-en	pešken-	-īδ	پخش کردن peškenīden
xâr-	-n	xârn-	-īδ	خاراندن xârnīden
qelt-	-en	qelten-	-īδ	غلثاندن qeltenīden
jâr-	-n	jârn-	-īδ	کج کردن jârnīden
pof-	-n	pofn-	-īδ	ویران کردن pofnīden
jom	-n	jomn-	-īδ	جنباندن jomnīden
pīs-	-n	pīsn-	-īδ	پوساندن pīsnīden

صورت گذرای فعل سوزاندن در گویش بختیاری به صورت **sohden** (سوختن) نیز به کار می‌رود و به دلیل شباهت صوری آن با معادل ناگذرا، این فعل در گویش بختیاری به صورت افعال دووجهی نیز کاربرد دارد.

ب) مادهٔ مضارع ناگذرا - مجهول (این ماده هم در ساخت فعل ناگذرا و هم مجهول به کار می‌رود) به اعتقاد طاهری (همان: ۱۵۴) با افزودن پسوند **-eh** به پایان اسم، صفت و مادهٔ مضارع فعل‌های اصلی یا بدون افزودن پسوندی از روی صفت و اسم ساخته می‌شوند و

اسم و صفت خود به عنوان ماده مضارع به کار می‌روند. ماده ماضی ناگذرا-مجهول آن نیز از افزودن پسوند -est- به ماده مضارع به دست می‌آید. هرگاه اسم، صفت یا ماده مضارع گذرا به یکی از همخوان‌های *-r*، *-m*، *-n*، *-s* و *-š* پایان یابد، بین این همخوان‌ها و *-h* جابجایی انجام می‌گیرد. گاهی نیز برای سهولت همخوان *-h* تلفظ نمی‌شود و در برخی افعال واکه ماقبل آن به صورت کشیده تلفظ می‌شود.

جدول شماره (۶). نحوه اشتقاق مصدر ناگذرا در گویش بختیاری

اسم، صفت و ماده مضارع گذرای فعل اصلی	پسوند ساخت ناگذرا	ماده مضارع ناگذرا	پسوند ماضی‌ساز	مصدر فعل ماضی ناگذرا
jūš-	-eh	jūšeh-	-est	jūšesten جوشیدن
dīs-	-eh	dīseh-	-est	dīsesten چسبیدن
taw	-eh	tawhe-	-est	tawhesten ذوب شدن
pešk-	-eh	peškeh-	-est	peškehesten پخش شدن
terak	-	terak	-est	terakesten ترک برداشتن
xâr-	-	xâr-	-est	xâresten خریدن
qelt-	-eh	qelteh-	-est	qeltehesten غلتیدن
jâr-	-	jâr-	-est	jâresten کج شدن
pof-	-	pof-	-est	pofesten ویران شدن
jom	-eh	johm	-est	jomesten جنبیدن
pīs-	-	pīs-	-est	pīsesten پوشیدن
kan-	-eh	kahn-	-est	kahnesten کنده شدن
der-	-eh	dehr-	-est	deresten پاره شدن

پیش از آنکه به انواع دیگر افعال ناگذرا بپردازیم، نگاه کوتاهی خواهیم داشت به ساخت مجهول و تفاوت آن با ساخت ناگذرا در گویش بختیاری. در این گویش علاوه بر استفاده از شیوه‌های مشترک ساخت مجهول با زبان فارسی، مانند مجهول غیرشخصی و استفاده از صفت مفعولی به اضافه فعل کمکی، از شیوه ساختوازی نیز استفاده می‌شود. در مجهول غیرشخصی از جمله‌های بدون فاعل و افعال با شناسه سوم شخص جمع استفاده می‌گردد.

در این گویش شناسه سوم شخص جمع به وسیلهٔ پسوند **-en** بیان می‌شود که به پایهٔ فعل می‌چسبد.

10) pīl-âm e borden.

الف. پول‌هایم را بردند.

در ساخت مجهول با فعل کمکی، از فعل ربطی **vâbī** (شدن) در کنار اسم مفعول استفاده می‌گردد. در زیر به نمونه‌هایی از صورت‌های معلوم و مجهول از گویش بختیاری اشاره شده است.

11) a. bače bengešt e košt.

الف. بچه گنجشک را کشت.

b. bengešt košte vâbīn.

ب. گنجشک کشته شد.

در شیوهٔ بهره‌گیری از وند یا صورت ساختوازی نیز از وند **-eh** برای ساخت مادهٔ مجهول استفاده می‌شود. این شیوه، همان گونه که قبلاً شرح آن رفت، در ساخت افعال ناگذرا نیز به کار می‌رود که در نتیجهٔ روساختی مشابه ارائه می‌دهد. در ساخت ناگذرا عامل در جملهٔ معلوم حذف شده و اثرپذیر به جای آن در جایگاه فاعل قرار می‌گیرد، اما در ساخت مجهول عامل وجود دارد. می‌توان با قرار دادن عبارت کنادی در جملهٔ مجهول، ابهام بین دو مفهوم را برطرف ساخت. در گویش بختیاری برای ذکر عامل غالباً جملهٔ مجهول را به صورت معلوم آن تبدیل کرده و آن را به کار می‌برند؛ اما گاهی نیز عبارت کنادی در جملات مجهول با حرف اضافهٔ **vâ** (با، به دست، توسط) مشخص می‌شود. برای روشن شدن این مطلب می‌توان به نمونهٔ زیر توجه کرد.

12) a. dă-m bače ne post e tū gorūznāḏ.

الف: مادرم بچه را پشت اتاق قایم کرد.

b. bače pošt e tū gorūsest.

ب: بچه پشت اتاق قایم شد.

13) a. homsă-mon hone-s e pofnīḏ.

الف: همسایه‌مان خانه‌اش را ویران کرد.

b. hone pofehest.

ب: خانه ویران شد.

همان‌طور که قبلاً ذکر شد، گاهی پسوند **-eh** در برخی افعال تلفظ نمی‌شود، مانند فعل **pofehesten** (ویران شدن) که به صورت **pofesten** (ویران شدن) نیز بیان می‌گردد. از دیگر افعال مجهول در این گویش که با این شیوه به دست می‌آیند، می‌توان به نمونه‌های جدول شماره (۷) اشاره کرد.

جدول شماره (۷). اشتقاق فعل مجهول در گویش بختیاری

مصدر فعل ماضی مجهول	پسوند ماضی‌ساز	ماده مضارع مجهول	پسوند ساخت مجهول	اسم، صفت و ماده مضارع گذرای فعل اصلی
kahnesten	-est	kahn-	-eh	kan-
zahnesten	-est	zahn-	-eh	zan-
telqehesten	-est	telqeh-	-eh	telq-
kahšesten	-est	kahš-	-eh	kaš-
pūrehesten	-est	pūreh-	-eh	pūr-
gorūsesten	-est	gorūs-	-	gorūs-
pokesten	-est	pok-	-	pok-
pofesten	-est	pof-	-	pof-
tīškehesten	-est	tīškeh	-eh	tīšk

در گویش بختیاری از نوع دوم طبقه‌بندی هسپلمث یعنی شیوه به کارگیری فعل کمکی در ساخت ناگذرا نیز استفاده می‌شود. در این گویش از فعل کمکی **vâbī** (شدن) و **kerden** (کردن) برای ساخت صورت ناگذرا و سببی استفاده می‌شود.

14) a. dar (xos be xos) vâz âbī.

الف: در باز شد. (ناگذرا)

b. dar vâz kerd.

ب: در را باز کرد. (سببی)

15) a. *kare aw vâbî*.

الف: کره آب شد. (ناگذرا)

b. *kare ne aw kerd*.

ب: کره را آب کرد. (سببی)

از دیگر افعال ناگذرا در بختیاری که با استفاده از یک فعل کمکی ساخته می‌شوند، می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد.

جدول شماره (۸). ساخت مجهول با فعل کمکی در گویش بختیاری

افعال سببی	افعال ناگذرا
vâz kerden باز کردن	vâz âbîden باز شدن
aw kerden آب کردن	aw vâbîden آب شدن
balâ kerden گم کردن	balâ vâbîden گم شدن
bîyâr kerden بیدار کردن	bîyâr vâbîden بیدارشدن
kûr kerden خاموش کردن	kûr vâbîden خاموش شدن

از لحاظ قرار گرفتن افعال در طبقه سوم تقسیم‌بندی هسپلمث، با توجه به داده‌های تحقیق، تفاوتی بین گویش بختیاری و زبان فارسی دیده نشد. از افعال نوع سوم در گویش بختیاری می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

جدول شماره (۹). نمونه‌ای از فعل‌های ناگذرای دسته سوم در گویش بختیاری

افعال سببی	افعال ناگذرا
vanden انداختن	vasten افتادن
vâdâšten نگه داشتن	voysâden ایستادن
kerden کردن	vâbîden شدن
košten کشتن	morden مردن

در زیر نمونه‌هایی از کاربرد این دسته از افعال در جمله آمده است.

16) a. *ho pîyâ ne vand*.

الف: او مرد را انداخت.

b. pīyâ vast.

ب: مرد افتاد.

افعال نوع چهارم گروهی هستند که از لحاظ شکل ظاهری فعل تفاوتی بین صورت سببی و ناگذرای آن وجود ندارد. در گویش بختیاری افعال زیادی در این گروه قرار نمی‌گیرند و تعداد آنها بسیار کم است. در نمونه زیر به کاربرد فعل “سوختن” در این گویش اشاره شده است که هم در قالب سببی و هم ناگذرا به یک صورت به کار می‌رود.

17) a. dâm qazâ ne sohδ.

الف: مادرم غذا را سوخت.

b. qazâ sohδ.

ب: غذا سوخت.

ساخت سببی و گذرای فعل “سوختن” با افزودن پسوند و به صورت sūznīden (سوزاندن) نیز به کار می‌رود. مثال زیر کاربرد این فعل را نشان می‌دهد.

18) a. dâm qazâ ne sūznīδ.

الف: مادرم غذا را سوخت.

b. qazâ sohδ.

ب: غذا سوخت.

در جدول شماره (۱۰) به نمونه‌هایی از افعال دوجویی در گویش بختیاری اشاره شده است.

جدول شماره (۱۰). نمونه‌ای از افعال دوجویی در گویش بختیاری

افعال سببی		افعال ناگذرا	
پختن	pohδen	پختن	pohδen
سوختن	sohδen	سوختن	sohδen

۵- نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش گردید تا ساخت ناگذرا و انواع مختلف آن در گویش بختیاری بررسی شود. گویش بختیاری مطابق تقسیم‌بندی هسپلمت دارای چهار طبقه ساخت ناگذرا است.

در این گویش شیوه غالب در ساخت افعال ناگذرا و سببی استفاده از وند است. افعال سببی و ناگذرا به صورت خاص و افزودن پسوند ویژه ساخته می‌شوند. با بررسی داده‌های این گویش، این نتیجه حاصل شد که گویش بختیاری به منظور ساخت افعال ناگذرا از شیوه ساختوازی استفاده می‌کند. فعل گذرا و سببی از افزودن پسوند $(e)n$ - به پایان ماده مضارع گذرا ساخته می‌شود و ماده ماضی آن با افزودن پسوند \bar{d} - به ماده مضارع به دست می‌آید. افعال ناگذرا نیز با افزودن پسوند eh - به پایان اسم، صفت و ماده مضارع فعل‌های اصلی یا بدون افزودن پسوند ساخته می‌شوند. ماده ماضی این افعال نیز از افزودن پسوند est - به ماده مضارع به دست می‌آیند. ساخت ماده ناگذرا در ساخت مجهول نیز به کار می‌رود که شباهت روساختی این دو ساخت همانند زبان فارسی با کاربرد قید کنادی و استفاده از حرف اضافه $v\hat{a}$ (با، به دست و توسط) مشخص می‌گردد.

منابع

- حقیقین، فریده (۱۳۸۳). بررسی ساخت‌های نامتعدی در زبان فارسی. *فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)*، سال ۱۳ و ۱۴، شماره ۴۸-۴۹، ۶۱-۹۵.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۶۴). مجهول در زبان فارسی. *زبان‌شناسی*، سال دوم، شماره اول، ۳۱-۴۶.
- (۱۳۶۷). ساخت‌های سببی در زبان فارسی. *زبان‌شناسی*، سال پنجم، شماره اول، ۱۳-۶۷.
- (۱۳۷۶). فعل مرکب در زبان فارسی. *زبان‌شناسی*، سال دوازدهم، شماره اول و دوم، ۲-۴۶.
- (۱۳۹۲). *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*. تهران: انتشارات سمت.
- درزی، علی و فاطمه کرم‌پور (۱۳۹۱). بررسی ساخت‌های سببی ساختوازی زبان فارسی. *پژوهش‌های زبانی*، سال سوم، شماره دوم، ۲۳-۴۱.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۶). ساخت ناگذرا در فارسی. *زبان و زبان‌شناسی*، سال سوم، شماره پنجم، ۱-۲۰.
- رضایی، والی (۱۳۸۹). نگاهی تازه به ساخت مجهول در زبان فارسی. *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، سال دوم، شماره اول، ۱۷-۳۴.

- زارعی، رها و والی رضایی (۱۳۹۰). بررسی رده‌شناختی ساخت‌های سببی در زبان فارسی. *زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، سال سوم، شماره اول، ۲۹-۵۰.
- صادقی، علی اشرف و غلامرضا ارژنگ (۱۳۶۵). *دستور زبان فارسی، سال چهارم فرهنگ و ادب*. تهران: آموزش و پرورش.
- صفری، علی و غلامحسین کریمی دوستان (۱۳۹۲). تناوب سببی در زبان فارسی. *پژوهش‌های زبانی*، سال چهارم، شماره اول، ۷۵-۹۴.
- طاهری، اسفندیار (۱۳۸۵). فعل در گویش بختیاری. *گویش‌شناسی*، سال سوم، شماره اول و دوم، ۸۶-۱۰۶.
- (۱۳۸۹). *گویش بختیاری کوه‌رنگ*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- طیب‌زاده، امید (۱۳۸۵). *ظرفیت فعل و ساخت‌های بنیادین جمله در فارسی امروز: پژوهشی بر اساس نظریه دستور وابستگی*. تهران: مرکز.

- Burzio, L. (1986). *Italian Syntax: A Government Binding Approach*. Dordrecht: Reidel Publishing Company.
- Comrie, B. (1992). *Language Universals and Linguistic Typology: Syntax and Morphology* (2nd edition). Oxford: Basic Blackwell.
- Fillmore, C. J. (1968). The Case for Case. In: E. Bach & R. Harms (Eds.), *Universals in Linguistic Theory*, (pp. 1-88). New York: Holt Reinhart and Winston.
- Foley, W. and R. D. VanValin (1984). *Functional Syntax and Universal Grammar*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Haspelmath, M. (1993). More on the Typology of Inchoative/Causative Verb Alternations. In: B. Comrie & M. Polinsky (Eds.), *Causatives and Transitivity*, (pp. 87-120). Amsterdam: John Benjamins.
- Pavey, E. L. (2010). *The Structure of Language: An Introduction to Grammatical Analysis*. Cambridge: Cambridge university press.
- Perlmutter, D. M. (1978). Impersonal Passive and Unaccusative Hypothesis. *Proceedings of the Annual Meeting of the Berkeley Linguistic Society (BLS)* 38, (pp.157-189).
- Perlmutter, D. M. & P. M. Postal (1984). The 1-Advancement Exclusiveness Law. In: D. M. Perlmutter & C. Rosen (Eds.), *Studies in Relational Grammar 2*, (pp. 81-125). Chicago: University of Chicago Press.